

## در تمامیت زنانگی

### شهرنوش پارسی پور

فیرزوه فرجادنیا در کتابی که نوشته است می‌کوشد تمامیت زنانگی هستی را به چالش بکشد. کتاب او یک سر زنانه است و به نظر می‌رسد که او می‌خواهد یک بار برای همیشه مسئله زن بودن را حل کند. کتاب از یک سو ریشه در خانه‌ی بسیار قدیمی هشت گوشه دارد که در جایی در ایران قرار گرفته است. از سوی دیگر وارد میان زندگی در هلند می‌شود و عشقی نافرجام را دنبال می‌کند. بدین ترتیب داستان در دو لایه جدا از یکدیگر و اما بسیار پیچیده در هم حرکت می‌کند. خانه‌ی قدیمی در میدان ماندگاری خود با اسطوره‌ها ترکیب می‌شود و آسمان و زمین را به سوی وحدت باستانی باز می‌خواند. این همه در بافت داستانی زندگی چند زن نقش می‌خورد. قتل مادر به دست پسر که سر فصل اسطوره تیامات است آمیخته با حرکت کولی‌ها که بازگو کننده‌ی آن هستند، یک جا در کنار یکدیگر زندگی می‌شود.

مردان داستان در برابر زنان آن رنگ می‌بازند و نقشی فرعی بر عهده دارند. داستان وقف زنانگی هستی‌ست. از آنجایی که زنان خانه‌نشین هستند، خانه نقش بسیار مهمی را بر عهده می‌گیرد و خود به یکی از شخصیت‌های اصلی تبدیل می‌شود. اهمیت خانه تا آنجا بالا می‌رود که زندگی زیبا قهرمان داستان، در هلند را نیز پر می‌کند. زن جوان آمده است تا در آزادی زندگی کند، اما گذشته هم‌چون اختاپوسی او را در بر گرفته است.

هنگامی که ما یک داستان را می‌نویسیم هدفی داریم. هدف صرفاً نمی‌تواند شاد کردن خواننده‌ای باشد که بناست کتاب ما را بخواند. ما در حقیقت با نوشتن کتاب کدهای زندگی اجتماعی را با یکدیگر رد و بدل می‌کنیم. همه ما در گذار زندگی ایرانی خود حامل بار اطلاعاتی هستیم

که بر دوش ما سنگینی می‌کند. با نوشتن است که ما می‌کوشیم بار سنگین خود را سبک کنیم. البته زمانی موفق است که بتواند شناسنامه‌ی جهانی داشته باشد. شناسنامه‌ی جهانی در حقیقت متشکل از همان میدان‌های فرهنگی‌ست که در میان تمامی افراد بشر در جهان مشترک است. عشق و همبستگی‌های عاشقانه از نمونه‌های این رابطه‌های مشترک هستند.

کار فیروزه فرج‌الدینا نوعی از ادبیات زنانه است که میان دو دنیای ایرانی و غیر ایرانی نوسان دارد. داستان او بخشی در ایران و بخشی در خارج از کشور می‌گذرد. پس ادبیات تلفیقی است و در نوع خودش ریشه در ادبیات مهاجرت دارد.

ادبیات زنانه در این چهار دهه‌ی اخیر در ایران تحول اساسی داشته است. برای زمانی دراز تنها پنج شش زن موفق شده بودند اثری عرضه کنند. تا سال ۱۳۴۸ تنها یک رمان زنان منتشر شده بود که سوشون خانم دانشور می‌باشد. در سال ۱۳۵۵ رمان سگ و زمستان بلند از شهرنوش پاریسی‌پور به عنوان دومین رمان نوشته یک زن منتشر شد و امروز ما رو در رو با انبوهی داستان و رمان از زنان هستیم که می‌کوشند هستی زنانه را در ایران تعریف کنند.

می‌شود گفت که این کتاب پاسخی‌ست به مردانی که در نوشتن تنها مردان را مد نظر قرار می‌دهند و ادبیات مردانه بوجود می‌آورند. ادبیات کلاسیک پارسی نمونه‌ای از این روش است. به جز نظامی گنجوی که شخصیت‌های زنانه را وارد داستان‌هایش می‌کند و به جز بخش‌هایی از شاهنامه باقی بخش‌های ادبیات پارسی کاملاً مردانه است. اینک اما فیروزه فرج‌الدینا در پاسخ به این معنا ادبیاتی کاملاً زنانه به‌وجود می‌آورد.

آنانی که در جستجوی بازتاب‌های روابط انسانی هستند بسیار می‌توانند از این کتاب بیاموزند.